

تبریز پیشقدم در کارهای عام المنفعه

رضا رحمانی^۱

جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران^۲ یادگار انسان‌های نیک‌نفسی است که با تأسی از آیه کریمه «وتعاونوا علی البر و التقوی» و شعر زیبای سعدی:

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

^۱ نماینده مردم شریف تبریز، آذرشهر و اسکو در دوره هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی.

^۲ اداره کل امور بین الملل و اداره کل روابط عمومی هلال احمر در جزوه‌ای که منتشر نموده‌اند آورده‌اند جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در سال ۱۳۰۱ خورشیدی تأسیس گردید و در سال ۱۳۰۳ خورشیدی توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال‌احمر به رسمیت شناخته شد و با ایجاد شعبه‌های مختلف در کلیه شهرها فعالیت‌های خود را به صورت مستقل و زیر نظر هیئت مدیره آغاز کرد. نیازهای مالی آن به طور عمده از سوی مردم و افراد خاص و موقوفه‌ها و تأسیس می‌شد و با وجود نوپا بودن در همان سال‌ها به فعالیت‌های خیریه بسیاری پرداخت و به ایجاد زایشگاه، مطب‌هایی که خدمات رایگان ارائه می‌دادند و نیز به مشارکت در فعالیت‌های آبرسانی، احداث جاده‌های شوسه و کمک به بهداری ارتش اقدام کرد. تا زمان وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ این جمعیت توانسته بود در سراسر کشور ۵۰۰ بیمارستان و مرکز درمانی با مجموع ۱۵۰۰۰ تخت بیمارستانی، چندین مرکز جوانان و کودکان، پرورشگاه آموزشگاه پرستاری، مراکز دارویی و جاده‌ای، امداد هوایی و دریایی و بانک خون تأسیس کند و تجهیزاتی نظیر ۵ فروند هواپیما، ۱ کشتی بیمارستانی، ۵ فروند چرخبال و بیش از ۲۰۰۰ ناوگان و نقل حمل و نقل زمینی را در اختیار داشت.

در حال حاضر بیشتر فعالیت‌های جمعیت حول محور امداد رسانی به آسیب‌دیدگان حوادث طبیعی و ساخته دست بشر متمرکز شده و در جوار آن با تأسیس مراکز درمانی و توانبخشی و همچنین تولید دارو و اداره امور جوانان و داوطلبان، در سایر زمینه‌های مرتبط نیز به صورت یک مؤسسه خیریه خدمت می‌کند با کمک شعب استانی و تجهیزات مناسب به عنوان بزرگترین سازمان امدادی کشور محسوب می‌شود.

و در جای دیگر نیز در توضیح سازمان امداد و نجات جمعیت آورده: این سازمان در زمینه امداد رسانی پس از انقلاب اسلامی تاکنون توانسته است در ۸ سال جنگ میان ایران و عراق (دوران دفاع مقدس)، زلزله شمال کشور، هجوم پناهندگان عراقی و آذری، سیل‌های بزرگ سال‌های ۷۱، ۷۴ و ۷۷ به ویژه سیل گلستان و زلزله‌های مخرب قزوین، بم، زرنده و مازندران به یاری آسیب‌دیدگان بشتابد و با داشتن بیش از ۳۸۸ انبار امدادی، ۱۲۰ پایگاه امداد و نجات جاده‌ای، ۵۲ پایگاه امداد و نجات ساحلی، ۹۵ تیم کوهنوردی، ۱۰ مرکز آموزشی سگ‌های تجسس، ۳۰ تیم حمایت‌های روانی، سیستم مجهز مخابراتی و ارتباطات رادیویی و ۸ فروند چرخبال در سراسر کشور نقش اصلی را در صحنه امداد و نجات کشور ایفا کند.

با عنوان جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران آن را تأسیس نمودند. نخستین کوشش ایرانیان برای پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد تشکیلات بین‌المللی صلیب سرخ به دوران ناصرالدین شاه قاجار باز می‌گردد. ایران در زمان حکومت او (شوال ۱۲۹۱) کنوانسیون مصوب ۱۸۶۴ ژنو را پذیرفت. اما عملاً برای ده‌ها سال پس از این تاریخ هیچگونه اقدامی برای تأسیس مؤسسه، یا سازمانی که عامل اجرایی این کنوانسیون در ایران باشد، صورت نگرفت. در طی این سال‌ها، جدی‌ترین کوشش ایران در این زمینه، اعزام نماینده‌ای به سومین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ در ژنو در سال ۱۲۸۴ ش بود. در این کنفرانس عبدالصمد ممتازالسلطنه سیاستمدار و وزیر مختار وقت ایران در پاریس، نقش بسیار مهمی در تبیین نگرش جوامع اسلامی به نشان بین‌المللی صلیب سرخ داشت و توانست موافقت کنفرانس را در پذیرش نشان شیر و خورشید سرخ به عنوان نشان رسمی دولت ایران برای جمعیت خود اخذ نماید.

این نشان چندسال بعد از این زمان مورد تأیید کنفرانس دیپلماتیک صلیب سرخ در ژنو نیز قرار گرفت. اگرچه، همچنان هیچ نهادی از سوی دولت ایران برای انجام وظایف مربوط به صلیب سرخ به وجود نیامد. فعالیت‌های مربوط به این مؤسسه تنها در اثر کوشش‌های شخصی افراد و به صورت غیرمؤثر انجام می‌شد. از جمله تلاش‌های دکتر امیرخان اعلم، مشهور به امیراعلم، از جمله دانش آموختگان ایرانی در اروپا در رشته پزشکی و از بنیانگذاران چند بیمارستان به سبک غربی در ایران در خلال جنگ‌های داخلی ایران، در سالهای پس از انقلاب مشروطیت ایران بود.

نخستین رویکرد تشکیل مؤسسه خیریه امدادی در ایران تحت حمایت دولت در سال ۱۳۰۱ ش صورت گرفت. در این سال به کوشش دکتر امیراعلم اقداماتی برای تأسیس شیر و خورشید سرخ با حمایت دولت صورت گرفت، اگرچه فشار بین‌المللی نیز به ویژه از سوی صلیب سرخ جهانی در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. چرا که دولت ایران از زمان پذیرش کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو، عملاً هیچ کاری در این باره صورت نداده بود.

جمعیت شیر و خورشی سرخ نخستین و بزرگترین جمعیت خیریه ایران بود که عهده‌دار وظایف مهم و متعددی در مسائل مربوط به امدادرسانی در حوادث غیرمربوطه و امدادی، تأسیس بیمارستان و درمانگاه، تهیه دارو، تربیت پرستار، نگهداری از کودکان بی سرپرست و ... برخی فعالیت‌های عمرانی در داخل و خارج از کشور بوده است. در سال ۱۳۰۱، دکتر امیراعلم مقررات وضع شده از سوی صلیب سرخ جهانی برای جمعیت‌ها را ترجمه و در اختیار احمدشاه قاجار، پادشاه وقت ایران قرار داد تا شاه آن را مطالعه کرده و مقدمات تشکیل جمعیت فراهم شود. بر اساس این متن ترجمه شده، نظامنامه اساسی (اساسنامه) جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران تهیه و در سال ۱۳۰۱ ش به امضای ولیعهد، محمدحسین میرزای قاجار رسید. این اساسنامه در ۱۰ فصل و ۹۰ ماده تهیه شده و وفق مقدمه آن، ریاست جمعیت با ولیعهد بود.

اگرچه به روایت دکتر اعلم، شاه و ولیعهد با طفره رفتن‌های مکرر، از شرکت در مجلس که به منظور افتتاح جمعیت برپا شده بود، خودداری کردند، اما نخستین جلسه رسمی کمیته مرکزی جمعیت در مرداد ماه ۱۳۰۲ تشکیل گردید.

در این سالها نخستین حرکت امدادی جمعیت، کمک به زلزله‌زدگان تربت حیدریه بود که در زمانیکه هنوز هیچ گونه امکاناتی در اختیار جمعیت نبود، به همت دکتر اعلم صورت گرفت. از سال ۱۳۰۴ به بعد، اندک اندک اقدام‌های مؤثری برای شکل‌دهی این جمعیت در ایران صورت گرفت، از جمله این کارها، تعیین هیئت مرکزی مؤسسه، تشکیل هیئت‌های مختلف جمعیت در بعضی ایالت‌های کشور و نیز راه‌اندازی مجله‌ای به عنوان ارکان رسمی جمعیت به نام «شیر و خورشید سرخ» بود.

تبریز شهر اولین‌ها

اولین شهری که از تأسیس جمعیت شیر و خورشید استقبال کرد، شهر تبریز بود که البته این اقدام به جهت وجود جمعیت‌های خیریه‌ای بود که از زمان مشروطیت در تبریز تشکیل شده بود و لذا زمینه‌های انجام این امور از قبل در تبریز وجود داشت.

منابع درآمد این جمعیت در اوایل تأسیس از فروش پوست و روده گوسفندانی بود که مردم در اعیاد مذهبی قربانی می‌کردند و در زمان‌های بعد منابع درآمد دیگری به دست آورده و توسعه پیدا کرد و اقداماتی مهمی انجام داد که عبارتند از:

تأسیس مریض‌خانه‌ای در کوی ششگلان

تأسیس مریض‌خانه‌ای در کوی مارالان

کمک به آسیب‌دیدگان سیل ویرانگر روز ۱۷ تیر ۱۳۰۸ در تبریز

کمک به سیل زلزله‌زدگان سلماس در سال ۱۳۰۹ ش

تأسیس مریض‌خانه کودکان در تبریز

آنچه می‌توان در تشکیل مؤسسه شیر و خورشید در تبریز بیان کرد، انجام حرکت‌های خیرخواهانه به نفع جامعه از طرق طبقات مختلف مردم می‌باشد. افراد خیر تبریز با الهام از تعالیم عالیه اسلامی انجام امور خیریه را تکلیف و وظیفه دینی و انسانی خود می‌دانستند و تلاش می‌کردند با ایجاد جمعیت‌های خیریه، قبل از اینکه منتظر انجام این امور توسط دولت باشند، خود اقدام به این کار کرده و در انجام امور عام المنفعه و دستگیری از مستمندان از همدیگر سبقت بگیرند. تا جائیکه حتی دولت نیز به تبعیت از مردم نیکوکار و خیر و شاید برای کسب موقعیت اجتماعی نزد مردم، اقدام به تأسیس جمعیت‌های خیریه کرده بودند. چنانکه عبدالله طهماسبی (فرمانده قوای آذربایجان) ضمن اشاره به خدمات اهالی آذربایجان، علی‌الخصوص مردم تبریز در تشکیل مؤسسه شیر و خورشید و ساخت مریض‌خانه در تبریز می‌نویسد:

«... تصمیم گرفته شد در ایالت آذربایجان نیز با مساعدت اهالی محترم مریض‌خانه شیر و خورشید سرخ مرکزی دائر کرد. در تأیید همین نظریه در تاریخ چهارشنبه ۱۱ سرطان ۱۳۰۳ بلافاصله اطلاعات لازمه راجع به تشکیل کاردن پارتی به منفعت مریض‌خانه شیر و خورشید سرخ مرکزی آذربایجان منتشر و همان روز قریب ۱۲۰۰۰ بلیط از قبیل افتخاری و یک تومانی و دو قرانی به فروش رسید. و روز جمعه ۱۳ سرطان کاردن پارتی در باغ شمال دائر به اینکه موقع افتتاح کاردن پارتی برای بعدازظهر تعیین و مقرر شده بود اهالی محترم از فرط احساسات نوع‌پروری از صبح همان روز گروه به گروه و توده به توده در باغ حاضر و در شرکت و مساعدت به مریض‌خانه مزبور به یکدیگر سبقت می‌جستند. چون من معتقد و معترف به همت عالیه و احساسات صادقانه و بی‌آلایش سرشار اهالی محترم آذربایجان بودم با اینکه عملیات مقدماتی تشکیل این کاردن پارتی و جمع‌آوری اعانه کاملاً به عمل نیامده بود معیذاً مافوق التصور در نتیجه ابراز احساسات نوع‌پروری اهالی آذربایجان همان روز در ظرف چند ساعت مبلغ زیادی و بالاخره در ظرف دو روز جمعاً مبلغ ۸۳۱۶۷۰۰۵ قران به غیر از اعانه و عایدات گل‌فروشی به صندوق مریض‌خانه شیر و خورشید سرخ مساعدت نمودند. اگرچه این جانب کسب افتخار به شغل گل‌فروشی برای یک هم چون مؤسسه تاریخی را نمودم، ولی مشتریان نوع‌پرور و حساس آذربایجانی که همیشه ترقی و تعالی مملکت را خریدارند با مملو نمودن صندوق عایدات گل‌فروشی در مدت چند ساعت از مبلغ ۹۰۶۰۵ قران افتخارات اینجانب را کامل‌تر نموده، تظاهراتی که در موقع خریدن گل به منصفه ظهور رسانیدند بر دفاتر معنوی که در این مدت مأموریت از احساسات نیک اهالی محترم آذربایجان تهیه نموده بودم، ذخیره دیگری افزود.

اینجانب به اهالی آذربایجان بشارت می‌دهم که فقط ذره‌ای از احساسات اهالی محترم تبریز بود که در ظرف دو روز ۱۷۳۷۷۲۰۵ قران به اعانت این مؤسسه جمع‌آوری گردید.»

جزوهای که ذیلاً چاپ می‌شود مربوط به مساعدت شخصیت‌های بزرگ جامعه و مردم غیور تبریز در ساخت مریض‌خانه شیر و خورشید در سال ۱۳۰۳ می‌باشد. از آنجایی که متن حاضر به عنوان یک سند اجتماعی و تاریخی می‌تواند بیان حال مردم تبریز در دستگیری از فقرا و مستمندان و یاری رساندن به هم‌نوعان خود باشد مقدمه و متن آن را عیناً از روی کتابچه‌ای که در سال ۱۳۰۳ در تبریز، در مطبعه حقیقت چاپ شده است در اینجا می‌آورم.

منابع:

تاریخچه تشکیل جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران، از انتشارات اداره کل امور بین‌الملل و اداره کل روابط عمومی جمعیت هلال احمر. تاریخ جمعیت شیر و خورشید سرخ تبریز، چاپخانه شفق.

جمعیت‌های خیریه تبریز دستاورد انقلاب مشروطه، غلامرضا درکتانین، فصلنامه گنجینه اسناد، زمستان ۱۳۸۵، ش ۶۴.

کتاب جامع بهداشت عمومی، دکتر احمدعلی نوربالا، دکتر علی نادر اکرامی نسب.

ایران در دوره سلطنت قاجار، ج دوم، علی اصغر شمیم، تهران: انتشارات علمی.